

بررسی چند زبانگونگی در شهر تهران

امیلیا نرسیسیانس

عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله، رفتار زبانی جامعه ایرانیان ارمنی زبان و جامعه ایرانیان ترک زبان (با گویش آذربایجانی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا مفاهیم نظری مورد استفاده در تحقیق تشریح می‌شود. سپس اطلاعات تاریخی و طرحی از وضعیت اجتماعی - مردم‌نگاری جوامع مورد بررسی ارائه می‌شود. شناخت حوزه‌های استفاده از هر زبان برای افراد دوزبانه برای برنامه‌ریزان فرهنگی و آموزشی این امکان را فراهم می‌آورد تا با در نظر گرفتن واقعیتها و وضعیت موجود فعلی روشهای مناسبی را برای تعلیم و تربیت این افراد و رسیدن به اهداف فرهنگی و آموزشی کشور تدوین نمایند.

واژگان کلیدی: زبان، قومیت، دوزبانگونگی، حیات‌مندی، زبان‌شناختی
قومی.

مقدمه

در این پژوهش ساخت جمعیتی تهران با عنایت به نظریه دو زبانگونی فرگوسن (۱۹۷۲، ۶۵) - فیشمن (۱۹۷۷، ۲۵) بررسی می‌شود. شهر تهران پایتخت و نبض اقتصادی کشور است که گویش غالب و وجهه‌دار در آن، فارسی تهرانی (فارسی معیار) است. به سبب موقع خاص این شهر و جذب مهاجرانی که به زبانها و گویشهای مختلف سخن می‌گویند، هرکس از گویش غالب توشه‌ای فراهم و در زمینه‌های مختلف از آن استفاده می‌کند. هدف اصلی این پژوهش پیدا کردن زمینه‌هایی است که هر فرد از زبان قومی یا گویش محلی خود و یا از گویش فارسی تهرانی استفاده می‌کند و عواملی که باعث پایداری و ناپایداری چند زبانگونی می‌شود. این پژوهش از چهار بخش تشکیل شده است:

بخش اول: بررسی مفاهیم نظری مانند قومیت^۱، زبان^۲، دو زبانگونی^۳ و حیات‌مندی زبانشناختی قومی^۴

بخش دوم: نگاهی به زمینه تاریخی^۵، وضع اجتماعی^۶ و مردم‌نگاری.

بخش سوم: پرسشنامه جامعه‌شناسی زبان و روش تحقیق، تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات.

بخش چهارم: نتیجه

بخش اول: مفاهیم نظری

قومیت

قومیت یا هویت قومی از یک یا چند عامل تشریحی مانند دین، مذهب، نژاد، زبان و غیره تشکیل می‌شود. این عوامل سبب می‌شود تا فرد از آنها برای برقراری رابطه با دیگر افراد همان قوم یا گروه (که آن عوامل را دارا هستند) استفاده کند. (گلاس ۱۹۸۵) در میان عوامل تشکیل هویت قومی زبان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ هر چند عامل دینی یا منطقه‌ای را نیز در خدمت تشکیل هویت قومی نمی‌توان نادیده گرفت.

زبان

هرگاه به زبان از دیدگاه هویت قومی (قومیت) نگاه کنیم به عنوان وسیله‌ای صرف برای برقراری ارتباط (فیشمن ص ۲۵، ۱۹۷۷) بسیار دور می‌افتیم. متفکرانی چون فیشمن و ادواردز

1 - Ethnicity

2 - Language

3 - Diglossia

4 - Ethnolinguistic vitality

5 - Historical background

6 - Socio - Demographic profile

(صص ۱۸-۱۶، ۱۹۸۵) بین عملکرد زبان به مثابه وسیله ارتباطی و عملکرد زبان به مثابه نماد تفاوت فراوانی قائل شده‌اند. تبدیل زبان بین گروهی یا زبان اقلیت به زبان برون گروهی یا اکثریت مسأله‌ای است غیر قابل اجتناب، ولی تبدیل زبان سبب نمی‌شود که قومیت فرد از انظار پنهان بماند. تبدیل زبان^۱ باعث ارتباط با جامعه بزرگتر و آشنا شدن با فرهنگ و افراد گروه اکثریت می‌شود. از طرف دیگر کارکرد زبان اقلیت و شکل نمادین آن دارای حوزه‌های خاصی است. زبانی است که فرد سخنگو به آن صمیمانه وابسته است و از طریق آن با هم گروه‌های خود ارتباط برقرار می‌کند. در کنار جنبه نمادین و جنبه کارکردی زبان، از عوامل زیستی زبان^۲ یعنی عامل روانشناسانه و عامل جامعه‌شناسانه نیز می‌توان سخن به میان آورد. در مورد عامل اول باید بگوییم که روانشناسی، زبان را در ذهنیت فرد می‌جوید، که مثلاً انسان متعلق به یک گروه زبانی خاص چگونه درک معنی می‌کند، چگونه خود و دنیای اطراف خود را تعیین می‌کند و جالبتر اینکه چگونه با زبانهای دیگر در ذهن خود تقابل زبانی ایجاد می‌کند و ارزشها و عادات رایج زبانی را در محیط وسیعتر به جای می‌آورد. در حالی که جامعه‌شناسی، زبان را از دیدگاه جمع می‌نگرد و بر اساس این دیدگاه، زبان در خدمت برقرار کردن ارتباط فرد با اجتماع خویش است. جامعه‌شناسی زبان به این موضوع که زبان در چه زمانی، در چه مکانی، برای چه مقصودی، در حضور چه کسی، با چه لحنی و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد و نیز به جایگاه زبان در الگوی رفتاری جامعه، در بین مردمی که آن را درک می‌کنند، توجه می‌کند. (هاگان، ۱۹۷۹)

دو زبانگونی^۳

واژه دو زبانگونی را فرگوسن (۱۹۷۲) به نوع خاصی از استاندارد شدن اطلاق می‌کند که در آن دو گونه زبان مختلف در کنار یکدیگر در یک جامعه وجود داشته باشد، دو گونه زبانی که هر کدام دارای نقشی معین باشند، چراکه ممکن است در یک منطقه معین چندین زبان مختلف برای تکلم به کار رود. معمولاً هر زبانی دارای لهجه‌ها، گویشها و گونه‌های مختلف است که هر کدام را عده‌ای از افراد جامعه یا در موقع خاصی به کار می‌برند. هنگام حرف زدن یا نوشتن، هر فردی یکی از گونه‌های مختلف زبان مورد نظر خود را انتخاب می‌کند. از آنجا که زبان پدیده‌ای است اجتماعی، انتخاب گونه‌ای که در هر زبان یا موقع خاص به کار می‌رود نیز تابع قوانینی ویژه است که انتخاب گونه زبانی مناسب آن موقعیت را معین می‌سازد. معمولاً بر اثر این گونه قوانین یکی از گونه‌های زبانی به عنوان استاندارد انتخاب می‌شود و در تدوین دستور زبان و مقررات

1 - Language seitching

2 - Language ecology

3 - Diglossia

درست‌نویسی^۱ و درست‌گویی^۲ و غیره الگو قرار می‌گیرد.

فرگوسن به دو گونه زبان استاندارد اشاره می‌کند: استاندارد بالاتر و وجهه‌دارتر که آن را با حرف H و استاندارد پایین‌تر که آن را با حرف L مشخص می‌کند. گونه استاندارد H عموماً دارای این شرایط است.

الف: گونه H دارای قواعد دستوری تدوین یافته است. افراد جامعه معمولاً نخست گونه L را فرا می‌گیرند و فراگیری گونه H پس از آن صورت می‌گیرد.

ب: گونه H در بخشی عمده از ادبیات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ج: افراد، گونه H را در شرایط فرایند تعلیم و تربیت رسمی فرا می‌گیرند.

د: گونه H اغلب در نوشتن و سخن گفتن در موقعیتهای رسمی به کار می‌رود.

ه: در محاوره غیر رسمی و دوستانه گونه H به کار برده نمی‌شود.

گونه L در موقعیتهای غیر رسمی به کار نمی‌رود. کودکان نخست گونه L را فرا می‌گیرند، اما چون گونه H برای نوشتن و سخن گفتن در موقعیتهای رسمی مناسب نیست، گونه H را نیز طی آموزش رسمی فرا می‌گیرند و بدین ترتیب هر دو گونه H و L را نسلهای متوالی می‌آموزند و به کار می‌برند.

دو زبانگونگی پایدار و ناپایدار

معمولاً هنگامی دو زبانگونگی پایدار در جامعه به وجود می‌آید که زبان استاندارد به دلایلی در برگیرنده برخی از ارزشهای اساسی جامعه باشد (مثلاً زبان آسمانی تلقی شود یا نماینده وحدت ملی کشور باشد و یا ...) و اکثریت افراد جامعه بی‌سوادان باشند و این دو شرط در مدت قابل ملاحظه‌ای (مثلاً چند قرن متوالی) وجود داشته باشد. بر عکس عواملی وجود دارند که حالت دو زبانگونگی را به جانب ناپایداری سوق می‌دهند. از جمله این عوامل افزایش سطح سواد در جامعه، افزایش تماس ما بین نواحی و طبقات مختلف، تمایل به ایجاد یک زبان ملی واحد و غیره است. در این گونه موارد یا گونه H را به تدریج افراد مختلف در محاوره روزمره نیز به کار می‌برند یا بر عکس به تدریج گونه L در ادبیات و سخنرانیها مورد استفاده روزافزون قرار می‌گیرد و بر اثر این گونه فشارها مرز این دو گونه از بین می‌رود و یکی از آن دو جایگزین دیگری می‌شود و در موقعیتهای رسمی و غیر رسمی به عنوان گونه استاندارد به کار می‌رود. از جمله مشخصات گونه H این است که این گونه معمولاً به درست یا به غلط زیباتر، منطقی‌تر، تدوین یافته‌تر و عالیتر شمرده می‌شود. امکان دارد این گونه زبان ارتباط دهنده افراد جامعه با گذشته

باشکوه تاریخی آنها یا جامعه بین المللی باشد. به هر حال این تصورات موجب می شود تا وجهه گونه H همواره بیشتر از گونه های دیگر باشد. از طرفی گونه L معمولاً به طرز بیان و اندیشه اکثریت افراد جامعه نزدیکتر است و سبب تسهیل در امر ارتباطات می شود. (فرگوسن ۱۹۷۲، هودسن)

نمونه های دو زبانگونی*

موارد دو زبانگونی و چند زبانگونی مطرح شده در این پژوهش را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف: زبان استاندارد با لهجه و گویشهای منطقه ای

بسیاری از مردم در گفتگوی روزمره با افراد خانواده خود به گویش یا لهجه محلی سخن می گویند، در حالی که در مکالمه با افراد دیگر جامعه گونه استاندارد را به کار می برند. برای مثال می توان جمعیتی از ارامنه را که به قصد مهاجرت به ارمنستان در سال ۱۳۲۵ ه. ش (۱۹۴۶ میلادی) به تهران آمدند، در نظر گرفت. این عده از روستاهای مختلف با لهجه های مشخص و متمایز از هم به تهران آمدند و در محله های ارمنی نشین ساکن شدند. اکنون بعد از گذشت حدود ۵۰ سال، نسل جدید به زبان محله یا به زبان «laql lezul» حرف می زند که تلفیقی است از زبانهای محلی نزدیک به استاندارد، در حالی که نسلهای قدیمتر هنوز به زبان گفتاری منطقه ای خود سخن می گویند و معمولاً با یکدیگر معاشرت و مراوده دارند. این پدیده شبیه به وجود آمدن نوعی زبان میانجی^۱ و ادغام لهجه ها با سوگیری به طرف استاندارد مشترک است، هر چند از استاندارد ارمنی، یا ارمنی وجهه دار تهرانی فاصله دارد.

برقرار کردن ارتباط زبانی

از نظر برقرار کردن ارتباط زبانی، کسانی که به زبان استاندارد صحبت می کنند می توانند

* - برای تحلیل دو زبانگونی در ایران مراجعه شود به نرسیسیانس (۱۳۶۴)، (۱۹۸۵) تعاریف ارائه شده در مورد دو زبانگونی عمدتاً مستخرج از این مقاله است و نمونه های دو زبانگونی نیز بسطی است بر موارد ذکر شده در این مقاله.

ارتباط زبانی برون مرزی^۱ و درون مرزی^۲ ایجاد کنند (برای مثال کسی که به ارمنی استاندارد احاطه دارد می تواند به آسانی به ارمنی مرسوم در ارمنستان (گوش عمده ارمنی شرقی) تکلم کند و حتی با آرامنه کشورهای دیگر، به ویژه خاورمیانه و غرب (گوش عمده ارمنی غربی)، ارتباط برقرار کند. کسانی که با لهجه محلی^۳ صحبت می کنند از نظر زبانی دارای این مانع ارتباطی هستند که باید در کنار L۱ محلی خود با نوع وجه دارتر همان زبان آشنایی پیدا کنند تا به هنگام لزوم از آن استفاده کنند. این لهجه و وجه دار اکتسابی می تواند زبان معیار باشد یا چیزی شبیه و نزدیک به زبان معیار. به عبارت دیگر این نوع دو زبانگونی است که در طی آن جامعه^۴ گفتاری می تواند موجودیت و کارکرد دو گونه زبانی، نوع پایین L و یا بالا H، را تشخیص دهد و هر کدام نقش و کارکرد خاص خود را در آن جامعه داشته باشد. یکی از آن انواع - نوع بالا - را معمولاً بعدها در طی آموزش مدرسه ای اکثریت آن جامعه فرا می گیرند. چنین سخنورانی دو زبانگونه^۵ درون زبانی هستند چون H و L زبانی آنها از یک زبان نشأت گرفته است.

برای مثال می توان گوش و لهجه جلفای اصفهان را در مورد آرامنه ذکر کرد، به نحوی که فرد ارمنی با گوش استاندارد که به تنوع گویشهای ارمنی آشنا نباشد، به سختی قادر به درک گفتگوی دو نفر ارمنی جلفایی است، مگر این که آنها در گفتگویشان به زبان معیار ارمنی گرایش نشان دهند تا شخص ثالث متوجه شود.

حال اگر فردی با لهجه خاص محلی قادر به تعدیل زبان خود به مرحله ای نزدیکتر به استاندارد نباشد و یا به دلیلی نخواهد این کار را بکند، معمولاً فقط با هم لهجه های خود (یا هم منطقه خود) معاشرت می کند (که شاید بتوان این حالت را استراتژی حذر نامید) و از دائره محدود اقوام و خویشان و دوستان و آشنایان هم منطقه ای خود فراتر نمی رود.

در هر حال لهجه ها و گویشهای محلی یک زبان مانع نگهداری زبان نمی شوند، چون سخنگویان زبان، صرفنظر از نوع لهجه، به یک زبان واحد مثلاً ترکی یا ارمنی و غیره صحبت می کنند و این از نظر یک مخاطب زبانی دیگر، مثلاً فارسی زبان، مکتوم می ماند. چراکه از نظر مخاطب فارسی زبان، طرف محاوره فردی ارمنی، ترک و غیره است و این که این طرف محاوره، ارمنی را با کدام لهجه محلی، یا ترکی را با کدام لهجه محلی صحبت می کند، مطرح نیست، در حالی که در محاوره برون گروهی لهجه ها حاکی از تعلق فرد به منطقه ای یا هویت جغرافیایی

1 - Supra-regional

2 - Inter-regional

3- Local accent

4-Speech community

5- Interlingual diglossia

6- Language Maintenance: L.M

کسی است.

ب: زبان اکثریت با زبانهای قومی دیگر

در ایران علاوه بر جمعیت فارسی زبان، گروههای قومی دیگری نیز وجود دارند که در مکالمات داخلی خود به زبان قومی خویش صحبت می‌کنند. بر اثر افزایش ارتباطات و تبدیل زبان فارسی به زبان مشترک اقوام و ملیتهای مختلف ایرانی، این گونه افراد دو زبانه یا چند زبانه هستند. از نظر وضعیت دو زبانی اکثر این اقوام مراحل دو زبانی غیر کامل^۱ و دو زبانی تک سواد^۲ را پشت سر گذاشته‌اند و بخصوص در مورد نسل جدید به حالت دو زبانی کامل^۳ رسیده‌اند، با این همه دو زبانی اینان حتی بیشتر از حالت (الف) جنبه دو زبانگونی پیدا کرده است؛ در حالی که زبان مادری در حوزه‌هایی از قبیل خانه در مکالمات دوستانه با افراد متعلق به گروه قومی و زبانی خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. زبان فارسی (زبان رسمی یا اکثریت) نیز در حوزه‌هایی از قبیل محل کار و خیابان، دادگاه، خرید، آموزش و غیره به کار می‌رود و تداخل حوزه‌ها بسیار ناچیز است. در واقع تفاوت حالت (الف) و حالت (ب) تنها در آن است که در حالت (ب) ترکیبی از دو زبانی و دو زبانگونی وجود دارد. به طوری که دو استاندارد H و L در این مورد از نظر ساختار زبانی تفاوت اساسی دارند. در این حالت ما با وضعیت دو زبانگونی بین‌زبانی^۴ مواجه هستیم در حالی که در حالت (الف) دو استاندارد H و L از نظر ساختار زبانی کم و بیش به همدیگر نزدیک‌اند، زیرا هر دو گونه‌های مختلف یک زبان مشترک هستند و در این حالت ما با وضعیت دو زبانگونی درون‌زبانی^۵ مواجه هستیم. (پاول، ۱۹۸۴).

در حالت (ب) نیز مانند حالت (الف) زبان مادری نخست در محاوره با پدر و مادر و در خانه فراگرفته می‌شود و زبان فارسی (زبان رسمی یا اکثریت) بعدها و اغلب به فاصله زمانی حداقل چند سال آموخته می‌شود. از آنجا که فارسی زبان رسمی ایران است، آموزش رسمی نیز به این زبان انجام می‌گیرد و معلمان و دبیران یا فارسی زبان هستند یا به هر حال با زبان قومی دانش‌آموز و حتی لهجه محلی دانش‌آموز آشنایی ندارند (بر خلاف حالت (الف) که در آن معلمان محلی خود به زبان محلی صحبت می‌کنند). در مورد آن دسته از گروههای قومی که زبان مادری (استاندارد) خود را نیز طی آموزش رسمی در درسهای ادبیات و علوم دینی فرامی‌گیرند، باز لهجه محلی دانش‌آموزان مورد توجه معلمان قرار نمی‌گیرند و حتی گاهی لهجه محلی به

1.- Partial bilingualism

2.- Monoliterate bilingualism

3- Full bilingualism

4.- Interlingual diglossia

5- interlingual diglossia

سود زبان استاندارد نادیده گرفته می‌شود.

به علت اختلاف سنی در زمان فراگیری زبانهای مورد نظر و تفاوت در حوزه‌های کاربردی آنها، وضعیت دو زبانی گروه‌های قومی ایران بیشتر از نوع زیرمرتب^۱ و هم مرتبه^۲ و به ندرت از نوع ترکیبی^۳ است. این امر موجب برخی مشکلات در تبدیل زبانها^۴ و فرهنگها می‌شود. به علاوه چون نوعی توزیع زبانی در حوزه‌های مختلف کاربرد وجود دارد، اکثر گروه‌های قومی ایران در مجموعه^۵ زبانی خود همه گونه‌های مختلف فارسی را ندارند و گاهی اتفاق می‌افتد که در انتخاب گونه مناسب زبانی، در حوزه خاص، دچار اشتباه می‌شوند (مثلاً استاندارد ادبی و گونه گفتاری را به جای یکدیگر به کار می‌برند) این موضوع به تداخل زبانها و ایجاد لهجه‌های قومی در زبان فارسی افزوده و سبب تمایز طرز صحبت آنان به زبان فارسی می‌شود.

در کنار تفاوت‌های صرف زبانی، چون زبان فارسی در محیط‌های آموزشی فراگرفته می‌شود، فرهنگ لازم زبانی هیچ وقت به طور کامل آموخته نمی‌شود و حتی در بعضی موارد ایجاد تمایز رفتار فرهنگی^۶ می‌کند. مثلاً تمایز قایل نشدن بین حوزه کاربردی کلماتی مثل «غلط» و «اشتباه» «وزن کم کردن» و «سبک شدن» و جز اینها، که اغلب در ضمن محاوره فارسی اقلیتهای زبانی مشاهده شده است.

حیات مندی زبانشناختی قومی^۷

جایلز (۱۹۷۷) متغیرهایی را که باعث حیات مندی زبانشناختی قومی می‌باشند، به این صورت تنظیم کرده است:

۱- متغیرهای موقعیت^۸: آیا زبان مورد محاوره یک گروه خاص اهمیت بین المللی دارد یا نه؟

۲- متغیرهای جمعیت نگاری^۹: آیا توزیع جمعیتی گروه مورد بحث آن قدر هست که تداوم گروه را سبب شود؟

1 - Subordinate

2 - Coordinate

3 - Compound

4 - Switching

5 - linguistic repertoire

6 - Cultural behavior

7-Ethnolinguistic vitality

8- Status variable

9 - Demographic variables

۳- عوامل پشتیبانی نهادی^۱: آیا افراد متعلق به گروه خاص. به صورت رسمی و یا غیر رسمی، به نحو چشمگیری در نهادهای محلی، منطقه‌ای نفوذ و حضور دارند یا نه؟ البته جایلز خاطر نشان می‌سازد که گاه عوامل ذهنی نیز می‌توانند مانند عوامل عینی در حیات مندی زبانشناختی قومی نقشی داشته باشند و یا کوزمین (۱۹۸۸) معتقد است که عوامل ذهنی زاده شده از متغیرهای موقعیت می‌توانند در حفظ، نجات و پایداری زبان قومی تأثیر بسزا داشته باشند.

بخش دوم: زمینه تاریخی

مدارک مدونی حاکی از حضور ارمنه و موجودیت جمعیت^۲ ارمنه، از اواخر قرن هیجدهم، در تهران وجود دارد. در دوره کریمخان زند و به دستور او ده خانواده ارمنی از جلفای اصفهان به تهران کوچ داده شدند، به روایتی آنها سنگ تراش بودند (و روایتی دیگر حاکی از جواهر ساز بودن آنها است). این خانواده‌ها در ده دولا ب (دولا ب فعلی که یکی از بزرگترین قبرستانهای ارمنه تهران در آنجا واقع است)، در نزدیکی تهران ساکن شدند. اولین کلیسای ارمنه به نام تادوس بارد و قیموس^۳ در سال ۱۱۴۷ ه. ش (۱۷۶۸ میلادی) در کوچه ارمنه بنا شد. در سال ۱۱۷۴ ه. ش (۱۷۹۵ میلادی) آقا محمدخان قاجار گروهی از ارمنه را که از ارمنستان به اسارت گرفته بود، به تهران آورد و به این گروه پنج خانواده دیگر از منطقه قره باغ اضافه کرد و گروه اخیر را در محله دروازه قزوین مستقر ساخت. در این محله دو خانواده ارمنی دیگر که از تفلیس مهاجرت کرده بودند نیز زندگی می‌کردند. در سال ۱۱۷۷ ه. ش (۱۷۹۸ میلادی) به دستور فتحعلی‌شاه قاجار عده‌ای از صنعتگران ارمنی را از شهرهای تبریز و جلفای اصفهان به تهران آوردند و در محله دروازه قزوین مستقر ساختند. در سال ۱۲۶۳ ه. ش (۱۸۸۴ میلادی) کلیسای فعلی گئورک مقدس در همان محله بنا شد و اولین مدرسه ارمنه در جوار همین کلیسا، به سال ۱۲۶۴ ه. ش (۱۸۸۵ م)، که در آن درسهای دینی تدریس می‌شد، تأسیس شد. با رشد شهر به مثابه نبض اقتصادی کشور و گسترش شهرنشینی، بسیاری از اهالی شهرها و روستاهای مختلف به تهران آمدند. در جریان مهاجرت و مهاجرپذیری شهر تهران گروهی از ارمنه نیز به تهران آمدند. طبق آمار که در دست است در سال ۱۲۳۰ ه. ش (۱۸۵۱ میلادی) ۳۱ نفر ارمنی در تهران زندگی می‌کردند که این جمعیت در سال ۱۳۵۷ ه. ش (۱۹۷۸ میلادی) به ۱۱۰,۰۰۰ نفر رسیده است. به جدول شماره ۱ پیوست مراجعه کنید. (باغدا ساریان، ۱۳۷۱)

1- Institutional - Support factors

2- Armenian Community

3- Tadeos Bardoghemeos

غیر از تهران، در حومه شهر نیز عده‌ای از ارامنه زندگی می‌کردند. در سال ۱۲۷۷ هـ ش (۱۸۹۸ میلادی) در ده ونک ۳۵ خانوار ارمنی به سر می‌بردند و کلیسا و مدرسه داشتند. در سال ۱۳۲۵ هـ ش (۱۹۴۶ میلادی) ارامنه ساکن در روستاهای بوروار، جاپلاق، کزار، کمره، چهار محال، سلطان آباد و مناطق دیگر، طبق توافقهایی که صورت گرفت، به عزم مهاجرت به ارمنستان شوروی (احتمالاً به قصد فرار از ظلم و جور خانها و اربابها) به تهران آمدند تا طبق برنامه از تهران به ارمنستان مهاجرت کنند. ۲۰۵۹۷ نفر از ارامنه توانستند به این منظور نائل آیند. در سال ۱۳۲۷ هـ ش (۱۹۴۷ میلادی) سیر مهاجرت، به علت تغییر در برنامه‌های مهاجرپذیری، قطع شد و ۱۲۰۰ خانوار ارمنی که بازگشت به روستا برایشان امکان‌پذیر نبود، در تهران ماندگار شدند و در منطقه‌ای از بهجت آباد (محل فعلی آپارتمانهای بهجت آباد) به آلونک نشینی پرداختند. در همین سال مدرسه‌ای به نام مدرسه نرسیسیان در این محله تأسیس شد. در سال ۱۳۳۴ هـ ش (۱۹۵۵ میلادی) شهرداری دستور تخریب آلونکها صادر کرد و ساکنان آلونکها به ناچار در نواحی دیگر شهر تهران و بیشتر در محله‌های شرقی ساکن شدند. محله‌های ارمنی نشین امروزی از نظر تراکم جمعیت عبارتند از: نارمک، زرکش، وحیدیه، مجیدیه و حشمتیه که در آنها کلیسا، مدرسه و انجمنهایی وجود دارد. از محله‌های دیگر ارمنی نشین نجات الهی (ویلا)، فراهانی (نادرشاه)، سنایی و عزیزخان را می‌توان نام برد.

جدول شماره ۱

تاریخ هـ ش	تاریخ میلادی	نفوس
۱۲۳۰	۱۸۵۱	۳۱
۱۲۵۰	۱۸۷۱	۷۵۰
۱۲۵۹	۱۸۸۰	۱۱۷۷
۱۲۸۲	۱۹۰۳	۱۴۵۰
۱۲۹۳	۱۹۱۴	۲۹۰۵
۱۳۰۱	۱۹۲۲	۳۲۴۷
۱۳۳۸	۱۹۵۹	۶۰,۰۰۰
۱۳۵۷	۱۹۷۸	۱۱۰,۰۰۰

جمعیت ارمنی ساکن در تهران امروز مسلماً بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ نفر است ولی متأسفانه آمار دقیقی از این جمعیت در دست نیست. (باغداساریان ۱۳۷۱)

بخش سوم: معرفی روشها

این بخش از پژوهش اختصاص دارد بر تعیین حوزه‌های زبانی افراد با مجموعه زبان مختلف مانند زبانی ترکی و فارسی برای ترک زبانان و زبان ارمنی و فارسی برای ارمنی زبانان ساکن شهر تهران در موقعیتهای گوناگون. حوزه‌های استفاده از زبان محیط خانه، محیط کار، مدرسه، انجمنها، مسجد و یا کلیساست، که حوزه‌های برون سوی را شامل می‌شود. همچنین حوزه‌های دیگر را نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد که آنها را حوزه‌های درون سو نام می‌گذاریم، مثل دعا و نیایش، خواب دیدن، هذیان گفتن، شمارش پول و غیره.

با در نظر گرفتن این نکته که انتخاب زبان محاوره بر اساس شرایط خاص صورت می‌گیرد و همیشه به مورد صحبت بستگی دارد، پرسشنامه‌هایی با جنبه جامعه‌شناسانه قویتر توزیع و سؤالیهای مطرح کردیم، تا حوزه‌های کاربردی زبان در مقطع برون سو و درون سو و همچنین میزان تقابل زبانی را تعیین کنیم. با این هدف پرسشنامه‌ای با ۵۱ سؤال که بتوانیم از آن برای پژوهشهای دیگری در آینده نیز استفاده کنیم، آماده شد. سؤالیهای ۱ تا ۳۱ به مسائل شخصی مانند نام، وضعیت تأهل، پایه و میزان تحصیلات، موقعیت اجتماعی، وضع اقامت (مهاجرت، قدمت، بومی بودن) و مربوط به خانواده و همسر بود. سؤالیهای ۳۲ تا ۴۰ مربوط به حیات مندی زبان و ارزیابی دانش زبان محاوره‌ای و جامعه مورد مطالعه بود.

سؤال ۴۱ تا ۴۹ به تعیین حوزه‌های استفاده از زبان اختصاص داشت. با سؤال ۵۰ از جمعیت مورد تحقیق خواسته شد تا نظر خود را درباره پرسشنامه مطرح کنند و آخرین سؤال درخواست از افرادی از جمعیت مورد تحقیق برای مصاحبه داوطلبانه بود.

پرسشنامه‌ها به افراد داده شد و از آنها خواسته شد به سؤالیها پاسخ دهند. جمعیت مورد نظر در پژوهش جمعیت ترک زبان و ارمنی زبان ساکن تهران بود. هدف از انتخاب این دو گروه، بخصوص ارمنه، به سبب آشنایی نزدیک نگارنده با جمعیت ارمنی زبان بود و انتخاب گروه ترک زبان به سبب نیاز به نمونه‌ای برای سنجش رفتار زبانی گروه اول و نشان دادن وضعیت دو زبانگونی به صورت تطبیقی در شهر تهران بود؛ چرا که هر دو گروه در کنار زبان مادری خود زبان فارسی را در حوزه‌های مختلف زبانی به طور فعال به کار می‌گیرند.

پاسخگویان از گروهی در نظر گرفته شدند که از نسل فعال جامعه باشند و نیز دارای شغل و همسر. سن پاسخگویان بالای ۳۰ سال بود با معدل سنی ۴۳ سال. دویست عدد پرسشنامه توزیع شد که ۱۶۰ عدد یا ۸۰ درصد آن به ما عودت داده شد.

پرسشنامه‌ها به سه زبان فارسی، ترکی و ارمنی تهیه شد که بنابر انتخاب پاسخگو به او داده می‌شد. توزیع پرسشنامه‌ها به این صورت بود.

۴۵ عدد پرسشنامه فارسی
۷۴ نفر جمعیت ترک زبان
۲۹ عدد پرسشنامه ترکی

۶۳ عدد پرسشنامه فارسی
۸۶ نفر جمعیت ارمنی زبان
۴۳ عدد پرسشنامه ارمنی

درصد افرادی که پرسشنامه را به زبان فارسی پر کرده‌اند نشان دهنده توانایی نسبی خواندن و نوشتن گروه‌های مورد بحث است (که در مورد گروه اول کمی بالاتر است) و همچنین عوامل ذهنی دیگر از قبیل هویت زبانی ارائه شده پاسخ دهندگان و ملاحظات احتمالی مربوط به تسهیل کار پژوهشگران در تحلیل داده‌های پرسشنامه نیز می‌تواند در این انتخاب مؤثر واقع شده باشد.

تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات

با در نظر گرفتن این نکته که اکثر پاسخگویان دارای تحصیلات رسمی بودند و آموزش و پرورش کشور برای همه یکسان برنامه‌ریزی می‌کند، از پاسخگویان سؤال شد (سؤال ۳۲) معلومات زبان فارسی خود را در چه حدی ارزیابی می‌کنید؟ لطفاً نسبت به معلومات خود، اعداد را مشخص کنید.

عالی	خوب	متوسط	کم	خیلی کم
۱۰۰	۷۵	۵۰	۲۵	۰

جمعیت ترک زبان مورد پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را بیشتر (در حد ۶۴ درصد) ارزیابی کرده بودند در حالی که معدل این ارزیابی در بین ارمنه مورد تحقیق (در حد ۴۰ درصد) کمتر بود. اختلاف معدل دو گروه ۲۴ درصد محاسبه شد.

جمعیت ترک زبان مورد تحقیق

۳۰ درصد جمعیت ترک زبان، در این پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را ۱۰۰ درصد

ارزیابی کرده بودند.

۳۵ درصد جمعیت ترک زبان در این پژوهش معلومات زبان فارسی خود را ۷۵ درصد ارزیابی کرده بودند

۳۲ درصد جمعیت ترک زبان در این پژوهش معلومات زبان فارسی خود را ۵۰ درصد ارزیابی کرده بودند

۳ درصد جمعیت ترک زبان در این پژوهش معلومات زبان فارسی خود را ۲۵ درصد ارزیابی کرده بودند

جالب این که از بین ۲۲ نفری که معلومات خود را در این گروه ۱۰۰ درصد ارزیابی کرده بودند، یک نفر دارای تحصیلات ابتدایی بود ولی بقیه دارای تحصیلات دانشگاهی یا دانشجو بودند و ۲ نفر که معلومات خود را ۲۵ درصد برآورد کرده بودند دارای تحصیلات ابتدایی (یا کمتر) و کارگر بودند.

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

۴/۶ درصد جمعیت ارمنی زبان، در این پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را ۱۰۰ درصد ارزیابی کرده بودند.

۴۰/۵ درصد جمعیت ارمنی زبان، در این پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را ۷۵ درصد ارزیابی کرده بودند.

۴۵/۳ درصد جمعیت ارمنی زبان، در این پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را ۵۰ درصد ارزیابی کرده بودند.

۳/۴ درصد جمعیت ارمنی زبان، در این پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را ۲۵ درصد ارزیابی کرده بودند.

۲/۳ درصد جمعیت ارمنی زبان، در این پژوهش، معلومات زبان فارسی خود را ۰ درصد ارزیابی کرده بودند.

۳/۹ به این سؤال جواب ندادند

در جمعیت ارمنی زبان مدرک دانشگاهی ملاک برآورد برای ارزیابی زبان فارسی نبود. برخی از افراد با مدرک فوق لیسانس معلومات خود را ۷۵ درصد ارزیابی کرده بودند، در حالی که کسانی با مدرک دیپلم و شاغل در اداره‌های دولتی میزان معلومات زبان فارسی خود را (عالی) ۱۰۰ درصد ارزیابی کرده بودند و کسانی که معلومات زبان فارسی خود را کمتر برآورد، کرده بودند، یکی خانمی خانه دار و مسن بود و دیگری خانمی روستایی که به کار قالببافی مشغول

بود، و سومی سوادآموز نهضت سوادآموزی و آخرین نفر خانمی دیپلمه بود. وجه تشابه این جمعیت داشتن پشتوانه روستایی، جنسیت، سن زیاد و جذب نشدن در نیروی کار فعال بود؛ که عدم اجتماعی شدن^۱، زندگی در محیط درون گروهی و نداشتن تماس فعال با اجتماع بزرگتر زبانی^۲ سبب شده بود تا معلومات زبان فارسی خود را ضعیف ارزیابی کنند. پرسش شماره ۳۳ مربوط به افرادی بود که از بدو تولد در تهران زندگی نمی‌کردند، بلکه بعدها به تهران مهاجرت کرده و مقیم شده بودند. سؤال به این شکل مطرح شد که ...

(سؤال ۳۳)

میزان معلومات ترکی / ارمنی شما به علت اقامت در شهر تهران تا چه حد عوض شده است.
کاملاً عوض شده
اصلاً عوض نشده

۰ ۲۵ ۵۰ ۷۵ ۱۰۰

جمعیت ترک زبان میزان متوسط تغییر معلومات خود را ۲۸ درصد و جمعیت ارمنی زبان ۳۴ درصد معین کرده بودند. (در این آمار افراد متولد شده در تهران منظور نشده‌اند) در بین ارامنه تهران لهجه و وجهه دار ارمنی تهرانی وجود دارد و کسانی که به تهران مهاجرت می‌کنند تا اندازه‌ای تحت تأثیر این لهجه قرار می‌گیرند و لهجه ارمنی محلی خود را تا اندازه‌ای به لهجه استاندارد تهرانی نزدیک یا تعدیل می‌کنند. در مورد جمعیت ترک زبان، توافق در قبول لهجه‌ای تحت عنوان لهجه استاندارد ترکی وجود ندارد. یک خانم معلم تبریزی می‌گوید: «در مورد گویشهای مختلف اعتقاد دارم که اکثر آذربایجانیهای ایران سعی می‌کنند در جمع بیگانه‌تر با لهجه تبریزی صحبت کنند، هر چند قادر نیستند.» و در جایی دیگر یکی از پاسخگویان می‌نویسد: «بهترین لهجه ترکی لهجه اردبیلی است، چون زیباست» و مهندسی که خانواده‌اش از مهاجران باکو (جمهوری آذربایجان) هستند، می‌گوید «به نظر من ترکی اردبیلی بهتر از لهجه‌های دیگر زبان ترکی است، چون به ترکی اصیل (ترکی جمهوری آذربایجان) نزدیکتر است.» باید در نظر داشت که پاسخگویان به ترتیب به لهجه تبریزی، اردبیلی و آذربایجانی باکویی صحبت می‌کردند.

یکی از علل عوض شدن زبان ترکی جمعیت ترک زبان ساکن تهران، ازدواجهای برون گروهی است که طی آن ترک زبانان، زبان و لهجه خود را عوض می‌کنند.

برای بررسی این فرضیه سؤال زیر را طرح کردیم:

(سؤال شماره ۳۴) معمولاً با همسر خود به چه زبانی صحبت می‌کنید؟
ترکی/ارمنی فارسی زبانی دیگر

جمعیت ترک زبان مورد تحقیق

جمعیت ترک زبان پاسخگو که با همسران خود ترکی صحبت می‌کنند ۵۲/۳ درصد، جمعیت ترک زبان مورد تحقیق که با همسران خود فارسی صحبت می‌کنند ۴۱/۵ درصد و جمعیت ترک زبان که با همسران خود به زبانهای ترکی و فارسی صحبت می‌کنند ۵/۴ درصد بود.

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

پاسخ این سؤال در بین ارامنه ۱۰۰ درصد بود که سبب آن ازدواجهای درون قومی ارامنه است که زبان محاوره زن و شوهر زبان ارمنی است. ازدواجهای برون قومی درصد بسیار کمی را تشکیل می‌دهد. ارامنه به دلیل عوامل قومیتی (زبان، دین و ...) شبکه‌های اجتماعی متمرکزتری نسبت به جمعیت ترک زبان دارند؛ به همین سبب محاروه به زبان ارمنی، به ویژه در حوزه‌های درون قومی، از جمله خانواده، رایجتر است.

وضعیت زبان در خانواده‌ها

سؤال دیگری که در مورد ارزیابی حیات‌مندی زبانهای ترکی و ارمنی در محیط خانه مطرح شد، کاربرد زبان ترکی و یا ارمنی در محاوره روزمره پدران و مادران با فرزندانشان بود. (سؤال ۳۵) در محاوره روزمره با فرزندانتان، از چه زبانی استفاده می‌کنید؟
ترکی/ارمنی فارسی زبانی دیگر

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

محواره به زبان ترکی ۱۸/۹ درصد
محواره به زبان فارسی ۶۷ درصد
محواره به زبانهای ترکی و فارسی ۵/۴ درصد
نرخ ۶۷ درصد محاوره پدران و مادران ترک زبان جمعیت مورد مطالعه با فرزندانشان به زبان فارسی ما را واداشت که سؤال تکمیلی زیر را مطرح کنیم:

(سؤال ۳۷) فرزندانتان با شما به چه زبانی صحبت می‌کنند؟

ترکی/ارمنی فارسی زبانی دیگر

فرزندانی که به زبان ترکی صحبت می‌کردند ۱۳/۵ درصد، فرزندانی که به زبان فارسی

صحبت می‌کردند ۵۹/۴ درصد، فرزندان که به زبان ترکی و فارسی صحبت می‌کردند ۱۹ درصد بود. ۸ درصد از جمعیت نیز جواب نداده بودند. دلیل محاوره پدران و مادران ترک زبان با نرخ ۶۷ درصد و محاوره فرزندان به فارسی با پدران و مادران خویش، ازدواجهای مختلط فارسی زبان و ترک زبان نیست. تحصیل کودکان و نوباوگان به زبان رسمی کشور یکی از دلایل تشویق محاوره فارسی در خانواده‌هاست و دلیل دیگر ارزیابی ضعیف از زبان ترکی است. کارگری می‌گفت: «ما ترکی اراکی بلدیم، نه ترکها قبولمان دارند (منظور زبان ترکی با گویش اراکی را) نه فارسها، بهتر دیدیم زبان فارسی بچه‌هایمان را تقویت کنیم تا آنها مثل ما نشوند.» این عدم تعلق به این یا آن گروه که منتج از وضعیت زبانی است، می‌تواند موضوع بررسی حفظ زبان^۱ باشد. نرخ ۱۹ درصد این پژوهش برای فرزندان که با پدران و مادران خود به زبانهای ترکی و فارسی صحبت می‌کنند، نشانگر این واقعیت است که این عده زبان ترکی و فارسی را در محیط خانه، به صورت زبان مادری، فرا می‌گیرند؛ هم از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد که آنها در آینده دو زبانهای کامل و طبیعی خواهند بود و از استعداد فراگیری زبان آنها در سالهای کودکی به نحو احسن استفاده شده است.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

پاسخ سؤالهای ۳۵ و ۳۷ از جمعیت ارمنی زبان، حاکی از آن بود که پدران و مادران و فرزندان ۱۰۰ درصد به زبان ارمنی صحبت می‌کنند، هم از این رو می‌توان گفت که فرزندان جمعیت ارمنی زبان، زبان فارسی را در آموزش رسمی و در خارج از محیط خانه فرامی‌گیرند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که ارامنه دو زبانهای همپایه^۲ هستند و وضعیت دو زبانی آنها به صورت دو زبانگونگی پایدار است. به منظور جمع‌بندی دو سؤال قبلی سؤال شماره ۳۶ مبنی بر دانش زبانی فرزندان را مطرح کردیم.

(سؤال ۳۶) فرزندانان چه زبانهایی را می‌دانند؟

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۱۶/۲ درصد از فرزندان جمعیت ترک زبان، فقط زبان فارسی می‌دانند.
 ۴۰/۵ درصد از فرزندان جمعیت ترک زبان ترکی و فارسی را می‌دانند.
 ۱۳/۵ درصد از فرزندان جمعیت ترک زبان فارسی را خوب می‌دانند و کمی هم ترکی بلدند.
 ۲۴/۳ درصد از فرزندان جمعیت ترک زبان به این سؤال جواب نداده‌اند.

این ارقام نشانگر آن است که فرزندان جمعیت ترک زبان مورد تحقیق، زبان فارسی را می‌دانند و ۵۴ درصد آنها اگر زبان ترکی را خوب ندانند تا حدودی با آن آشنایی دارند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

پاسخگویان پرسش شماره ۳۶ جمعیتی بودند که فرزندان دبستانی داشتند. با این اطمینان که فرزندان آنها در دبستان، آموزش رسمی زبان فارسی را آموخته‌اند، پرسش را مطرح کردیم. البته نقش تلویزیون و رادیو در فراگیری زبان فارسی مهم است، ولی جنبه یک جانبه بودن و دهندگی را نیز باید در نظر داشت.

جواب این سؤال به ۱۰۰ درصد دانستن زبانهای ارمنی و فارسی، به صورت نوشتاری، گفتاری و خواندنی انجامید. یادآور می‌شود که در شهر تهران، در جوار کلیساها، همواره مراکز آموزشی وجود داشته است و سابقه آنها به سال ۱۲۲۹ ه. ش (۱۸۵۰ میلادی) باز می‌گردد. در این مؤسسه‌ها علوم دینی تدریس می‌شد ولی نخستین مؤسسه تعلیماتی، بر اساس علوم دنیوی، در سال ۱۲۴۹ ه. ق (۱۸۷۰ میلادی)، در جوار کلیسای گئورگ مقدس، در دروازه قزوین، به همت سه تن ارمنی که از شهرهای استامبول و دمشق به تهران آمده بودند، تأسیس شد که بعدها به اسم مدرسه هایکازیان^۱ شروع به فعالیت کرد ولی به علت خالی شدن محله دروازه قزوین از جمعیت ارمنی، این مدرسه در سال ۱۲۹۵ ه. ش (۱۹۱۶ میلادی) تعطیل شد. با روآوردن جمعیت ارمنی از دروازه قزوین و کوچه آرامنه به حسن آباد و عزیزخان و نادری، مدرسه داودیان در سال ۱۳۱۱-۲ ه. ش (۳-۱۹۳۲ میلادی)، با کوشش داودیان، در جوار کلیسای سرکیس مقدس، تأسیس شد. این مدرسه مختلط بود ولی در سال ۱۲۷۲ ه. ق (۱۸۹۳ میلادی) نخستین مدرسه دخترانه تأسیس و بعد از دو سال فعالیت تعطیل شد. بعد از گذشت حدود بیست سال مدرسه دخترانه مریم در سال ۱۳۱۳ ه. ش (۱۹۳۴ میلادی) در خیابان شیخ هادی گشایش یافت که تا به امروز نیز فعال است.

همه مدارس ارمنی طبق فرمان رضاشاه از سال ۱۳۱۵ تا سال ۱۳۲۰ (۱۹۳۶ - ۱۹۴۱) تعطیل شدند. بعد از فرمان بازگشایی، مدارس ارمنی، فعال شدند و در محله‌های ارمنی‌نشین، شروع به فعالیت کردند.

این مدارس طبق برنامه آموزش و پرورش اداره می‌شد و در کنار برنامه رسمی آموزشی کشور، نوباوگان ارمنی درسهای ادبیات ارمنی، دیکته، انشا و دستور زبان ارمنی را فرا می‌گرفتند. (و این روال در مقطع ابتدایی در مدارس امروزی همچنان ادامه دارد). در مورد نقش زبان در

همبستگی خانوادگی سؤال شد که:

(سؤال ۴۵) آیا شما این اعتقاد را دارید که زبان ترکی / ارمنی نقشی در همبستگی روابط خانوادگی شما داشته باشد؟

هیچ نقشی ندارد	نقش خیلی مهمی دارد
۰	۱۰۰
۲۵	۷۵
۵۰	

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۵۶ درصد جمعیت ترک زبان به این سؤال پاسخ ۱۰۰ درصد دادند.

۱۳ درصد ۷۵ درصد.

۱۱ درصد ۵۰ درصد.

۵/۵ درصد ۲۵ درصد.

۴/۵ درصد جواب ندادند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

۷۳ درصد جمعیت ارمنی زبان به این سؤال پاسخ ۱۰۰ درصد دادند.

۱۲ درصد ۷۵ درصد.

۷۸ درصد ۵۰ درصد.

۳/۵ درصد ۲۵ درصد.

۳/۵ درصد جواب ندادند.

از این ارقام چنین برمی آید که هر دو گروه مورد مطالعه علاقه خاصی، از نظر عاطفی و روانی، به زبان اول خود دارند و استفاده از آن را در محیط خانواده لازم می دانند، هر چند مانند بعضی از پاسخگویان باید توجه داشت که نمی توان برای زبان نقش منحصر به فردی در ایجاد همبستگی خانوادگی قایل شد که عوامل دیگر نیز در این همبستگی نقش دارند.

نقش زبان در حوزه خارج از خانواده

سؤال ۴۱ اختصاص داشت به این که از زبان ترکی / ارمنی و فارسی در چه مواقعی استفاده می شود تا با حوزه های کاربردی زبان، که می تواند جنبه اجتماعی یا برون گروهی داشته باشد، آشنایی پیدا کنیم که در این باره قبلاً سخن به میان آمده است.

محاوره در محل کار

محل کار از مکانهایی است که در آن از زبان مشترک برای انجام امور استفاده می شود و این

زبان مشترک در شهر تهران نمی‌تواند جز فارسی باشد که نقش نوعی زبان واسطه^۱ یا میانجی را برای هر دو گروه جمعیت شاغل، ترک و ارمنی زبان، بازی می‌کند؛ ولی در شمار مشاغل مختلف حرفه‌هایی نیز وجود دارند که انجام آنها را دسته یا گروهی خاص^۲ به عهده دارند. در این نوع مشاغل چون شبکه درون گروهی وجود دارد، احتیاج به زبان واسطه یا میانجی به صورت بارز نیست. برای بررسی و تعیین چنین حوزه‌هایی پرسیده شد.

(سؤال ۴۱) آیا از زبان ترکی / ارمنی در محل کار استفاده می‌کنید؟ چقدر؟

همیشه	گاهی	به ندرت	هیچ وقت
-------	------	---------	---------

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۷۳/۲ درصد از جمعیت فعال ترک زبان مورد مطالعه چنین جواب دادند:
 ۸/۱۰ درصد از پاسخگویان ترک زبان جواب دادند که در محل کار همیشه از زبان ترکی استفاده می‌کنند.
 ۴۰/۸ درصد از پاسخگویان ترک زبان جواب دادند که در محل کار، گاهی از زبان ترکی استفاده می‌کنند.
 ۲۴/۳ درصد به ندرت از زبان ترکی استفاده می‌کنند.
 ۰ درصد از پاسخگویان ترک زبان جواب دادند که در محل کار هیچ وقت از زبان ترکی استفاده نمی‌کنند.
 ۸/۱۰ درصد از جمعیت ترک زبان که در محل کارشان همیشه به زبان ترکی صحبت می‌کردند، عبارت بودند از:
 ۱- کارگر نانوايي ۲- بقال در محله ۳۰ تیر ۳- بافنده ۴- کشاورز ۵- کارگر ساختمان ۶- سری دوز ۷- تراشکار
 که این عده بنا بر ماهیت کار خود با همکاران همزبان خویش مراوده دارند. در مورد بقیه ارقام مشاهده شد که ترک زبانان این پژوهش در محل کار خود آمادگی جوابگویی به زبان ترکی به ارباب رجوع ترک زبان را دارند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

۷۴ درصد از جمعیت فعال ارمنی زبان این تحقیق موضوع بررسی ما بودند.
 ۴/۶ درصد از جمعیت ارمنی زبان جواب دادند که همیشه از زبان ارمنی استفاده می‌کنند.
 ۲۶ درصد از جمعیت ارمنی زبان جواب دادند که گاهی از زبان ارمنی استفاده می‌کنند.

۳۸ درصد از جمعیت ارمنی زبان جواب دادند که به ندرت از زبان ارمنی استفاده می‌کنند. ۵/۸ درصد از جمعیت ارمنی زبان جواب دادند که هیچ وقت از زبان ارمنی استفاده نمی‌کنند. ۴/۶ درصد از جمعیت ارمنی زبان که در محل کار خود ارمنی صحبت می‌کردند عبارت بودند از:

۱ - مسئول امور پیمانها و منشی، شاغل در مؤسسه ارمنی

۲ - مدیر مهد کودک اقلیت ارمنی

۳ - خیاط

۴ - کارگر در شرکت (مشاور) ارمنی

سطح تحصیلات بالای افراد نقش دوگانه‌ای در نگهداری و حفظ زبان ایفا می‌کند. افراد با تحصیلات کم، بیشتر جذب شبکه‌های کاری قومی می‌شوند و از جریان محیط اکثریت به دور می‌مانند و به این طریق عوامل بهتری برای حفظ و نگهداری زبان قومی می‌توانند باشند. عده معدودی از آنها اگر در شبکه کاری حاکم جذب شوند، بعد از مدتی در جامعه بزرگتر و احتمالاً بر اثر ازدواج برون‌گروهی مستحیل^۱ می‌شوند. افراد با تحصیلات عالی به سهولت جذب محیط حاکم اکثریت می‌شوند و از این طریق امکان دستیابی به موقعیت بهتر، برای یادگیری بیشتر زبان دوم، می‌یابند؛ چنین افراد دو زبانه به تدریج با دو فرهنگ نیز آشنایی پیدا می‌کنند و به امتیازها و مزایایی دست می‌یابند (مدرسی، ۱۳۶۸) و از این طریق ارتباط گسترده‌تری با گروه اکثریت پیدا می‌کنند. از طرف دیگر همین افراد توانایی دارند که در جامعه قومی خود نفوذ داشته باشند و چون از وقت آزادتر و احترام بیشتری برخوردارند، آگاهانه‌تر به حفظ و تداوم و نگهداری زبان قومی کمک می‌کنند و می‌توانند پل ارتباطی باشند بین گروه اقلیت و اکثریت. ۵/۸ درصد پاسخگویان ارمنی زبان این تحقیق کسانی بودند که در محل کار خود هرگز به زبان قومی خود صحبت نمی‌کردند و یا به ندرت صحبت می‌کردند؛ این عده دارای مدرک لیسانس و بالاتر بودند و انگار زبان ارمنی و فارسی را به خوبی می‌دانستند.

قسمت دیگر سؤال ۴۱ مربوط به محاوره دوستانه بود. از آنها پرسیده شد که:

(سؤال ۴۱) آیا از زبان ترکی / ارمنی در محاوره دوستانه استفاده می‌کنید؟ چقدر؟

همیشه	گاهی	به ندرت	هیچ وقت
-------	------	---------	---------

جمعیت ترک زبان مورد تحقیق

ترک زبانان قید کردند که ۳۲ درصد آنها همیشه با دوستانشان با زبان ترکی صحبت می‌کنند.

۳۲ درصد گفتند که گاهی با دوستانشان به ترکی صحبت می‌کنند.
 ۱۵/۶ درصد گفتند که به ندرت با دوستانشان به ترکی صحبت می‌کنند.
 ۲ درصد گفتند که هیچ‌وقت با دوستانشان به ترکی صحبت نمی‌کنند.
 ۳۲ درصدی که همیشه و گاهی با دوستانشان ترکی صحبت می‌کنند، گویای آن است که توزیع زبانی مساوی در حوزهٔ محاورهٔ دوستانه برای جمعیت ترک زبان این تحقیق وجود دارد.

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

۵۵ درصد از ارمنهٔ پاسخگوی این سؤال قید کردند همیشه با دوستانشان به ارمنی صحبت می‌کنند.
 ۱۰ درصد از ارمنهٔ پاسخگوی این سؤال قید کردند گاهی با دوستانشان به ارمنی صحبت می‌کنند.
 ۰ درصد از ارمنهٔ پاسخگوی این سؤال قید کردند به ندرت با دوستانشان به ارمنی صحبت می‌کنند.
 ۰ درصد از ارمنهٔ پاسخگوی این سؤال قید کردند هیچ‌وقت با دوستانشان به ارمنی صحبت نمی‌کنند.
 ارقام حاکی از شبکه اجتماعی منسجم و متمرکز ارمنه، با روابط درون گروهی شدید است. بعضی از خانواده‌های ارمنی معاشرت خود را محدود به معاشرت با خویشاوندان می‌دانند. خویشاوند برای یک فرد ارمنی نقشهای چندگانه دارد: می‌تواند دوست، برادر، همکار و همسایه باشد. به عبارت دیگر مرز دوست و فامیل گاهی مغشوش می‌شود. نرخ ۰ درصد جمعیتی برای به بندرت و هیچ‌وقت حاکی از کمبود و یا نبود دوستان غیرارمنی در زندگی ارمنهٔ تهران است.
 از جمعیت مورد بحث پرسیده شد:

(سؤال ۴۱) آیا از زبان ترکی / ارمنی به هنگام محاوره با خویشاوندان استفاده می‌کنید؟
 چقدر؟

جمعیت ترک زبان مورد تحقیق

۷۲ درصد از جمعیت ترک زبان به این پرسش جواب دادند، همیشه.
 ۱۶ درصد از جمعیت ترک زبان به این پرسش جواب دادند، گاهی.
 ۸ درصد از جمعیت ترک زبان به این پرسش جواب دادند، به ندرت.
 ۰ درصد از جمعیت ترک زبان به این پرسش جواب دادند، هیچ‌وقت.
 پس می‌توان نتیجه گرفت که اکثر افراد ترک زبان این تحقیق در مکالمه با خویشاوندان از زبان ترکی استفاده می‌کنند.

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

در مورد آرامنه پاسخگو به این سؤال متوجه شدیم که ۸۴ درصد آنها همیشه به زبان ارمنی با خویشاوندان خود صحبت می‌کنند و رقمی برای موارد گاهی، ندرتاً و هیچ وقت وجود نداشت.

استفاده از زبان در زمینه‌های شیء (کتاب، رادیو و نوار)

در مورد استفاده از زبان در حوزه‌های شیء (کتاب، رادیو و نوار) پرسیده شد که: (سؤال ۴۷) آیا آثار مکتوب مثل کتاب، مجله یا روزنامه به زبان ترکی / ارمنی می‌خوانید؟ چقدر؟

هیچ وقت	خیلی زیاد			
۰	۲۵	۵۰	۷۵	۱۰۰

جمعیت ترک زبان مورد تحقیق

جمعیت ترک زبان به این سؤال چنین جواب دادند:

۱۴ درصد از آنها به میزان ۵۰ درصد از زبان ترکی، برای مطالعه ادبیات ترکی، استفاده می‌کنند.

۳۰ درصد از آنها به میزان ۲۵ درصد از زبان ترکی، برای مطالعه ادبیات ترکی، استفاده می‌کنند.

۵۶ درصد از آنها به میزان ۰ درصد از زبان ترکی، برای مطالعه ادبیات ترکی، استفاده می‌کنند. به این نقل قول فروشنده تیره بار توجه کنید، او می‌گوید: «برای ما ترک‌زبانان چون درسی که می‌خوانند فارسی است ۸۵ - ۹۰ درصد اینها ترکی بلد نیستند که بخوانند و بنویسند.»

کارمندی می‌گفت: «ما فقط شعرهای شهریار را می‌خوانیم»، دیگری می‌گفت: «مجله به زبان ترکی چاپ می‌شود ولی برای ما خواندن آنها سخت است.»، توضیح اینکه برای تهیه همین پرسشنامه به زبان ترکی، نمونه اول را به زبان ترکی جمهوری آذربایجان تهیه کردیم؛ چراکه زبان نوشتاری بعضی از مجله‌های ترکی داخل کشور نیز به این زبان است و به نظر می‌رسید که می‌تواند به مثابه زبان نوشتاری استاندارد مورد استفاده قرار گیرد. ولی خواندن و درک این گونه زبانی برای عامه ترک زبانهای ایران مشکل بود. به طور کلی خواندن مطلبی به زبان ترکی و جوابگویی و نوشتن به ترکی تازگی داشت، حتی آنها که پرسشنامه ترکی را برای جوابگویی انتخاب می‌کردند، برای این بود که می‌خواستند این مورد را تجربه کنند و کاربرد جدید زبان ترکی را غیر از کاربرد شفاهی گفتاری، بیازمایند. پرسشنامه اول به دلایلی که اشاره شد جای خود را به پرسشنامه دیگری، ولی این بار به ترکی تبریزی داد. این بار پرسشنامه درک کردنی شده بود

ولی این موضوع اعتراض ترکهای اردبیلی را سبب شد که چرا پرسشنامه به ترکی اردبیلی تهیه نشده است. آنچه می توان نتیجه گرفت این است که جنبه گفتاری زبان ترکی به نسبت جنبه های دیگر، زبان خواندن و نوشتن، قویتر است و بهتر است زمینه ای فراهم شود تا هموطنان ترک زبان ما بتوانند بیشتر و بهتر از زبان مادری خود بهره ببرند. دیگر اینکه در خلال پژوهش متوجه شدیم که جای خالی ترکی استاندارد کاملاً مشهود است.

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

همان طور که اشاره شد آرامنه به زبان ارمنی، چه به صورت کتبی و چه به صورت شفاهی در مدارس آشنا می شوند. در محیط خانه و مدرسه و با دوستان و خویشان به ارمنی صحبت می کنند. البته به نحوه تدریس زبان ارمنی در مدارس ایرادهایی وارد است، و همین طور انتقادهایی به نادیده گرفتن دو زبانه بودن کودکان ترک و ارمنی زبان، در برنامه های درسی وزارت آموزش و پرورش. نداشتن معلمان تعلیم دیده، به ویژه برای کودکان دو زبانه، خواه ترک و ارمنی و کرد و عرب و خواه آشوری و غیره، و اهمیت ندادن به زبانهای قومی کشور که به مثابه سرمایه های ملی هستند، از کمبودهایی است که ممکن است روزی جبران ناپذیر باشد و مثل هدر دادن ثروت ملی.

از جمعیت ارمنی زبان ۳۱ درصد به میزان ۱۰۰ درصد زبان ارمنی مطالعه می کنند.

از جمعیت ارمنی زبان ۲۵ درصد به میزان ۷۵ درصد زبان ارمنی مطالعه می کنند.

از جمعیت ارمنی زبان ۱۹/۵ درصد به میزان ۵۰ درصد زبان ارمنی مطالعه می کنند.

از جمعیت ارمنی زبان ۱۹ درصد به میزان ۲۵ درصد زبان ارمنی مطالعه می کنند.

از جمعیت ارمنی زبان ۶ درصد به میزان ۰ درصد زبان ارمنی مطالعه می کنند.

یک خانم شاغل و تحصیل کرده، که میزان مطالعه خود را ۲۵ درصد قید کرده بود، در پاسخ

سؤال نوشته بود:

من برای خودم زیاد مهم نبود که حتما ارمنی را خوب بدانم، در همان حدی که لازم بود می دانستم و کارم راه می افتاد، ولی برایم مهم است که بچه هایم ارمنی بدانند و متأسفانه در برخی موارد خودم کم می آورم و کلمات ارمنی جایگزین فارسی را نمی دانم. بعضی کلمات را از بچه ام که مهد کودک آرامنه می رود برای اولین بار می شنوم. خودم شخصاً مطالعه به فارسی یا حتی انگلیسی را ترجیح می دهم چون سریعتر به نتیجه می رسم در حالی که درک همان مطلب به ارمنی وقت و حوصله بیشتری

می خواهد.

جایگزینی کلمات یا به اصطلاح قرض گیری^۱، بر اساس برخورد زبانها^۲ و فرهنگها^۳ پیش می آید. قرض گیری که در ارمنی وجود دارد اغلب واژه‌هایی است که معادل آن در زبان ارمنی هست ولی در ذهن گوینده ارمنی فعال نیست و به این دلیل عمل جایگزینی واژگان صورت می گیرد هم از این رو در جمله ارمنی کلمه یا کلمات فارسی راه می یابد. قرض گیری در سطح واژگان محدود نمی شود و گاهی به سطح قرض گیری دستوری^۴ هم می رسد و گاهی اصطلاحها و تعارفهای فارسی به ارمنی ترجمه می شود و در مجموعه زبانی روزمره بعضی از افراد به کار می رود و بعد از گذشت سالها این اصطلاحهای ترجمه شده در زبان ارمنی کاربرد پیدا می کند. می دانیم که رادیو جمهوری اسلامی ایران برنامه‌هایی به زبان ارمنی و ترکی برای علاقه‌مندان تهیه می کند که مورد استفاده این جماعت است و نیز برنامه‌های رادیویی جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز برای کسانی که به این زبانها آشنایی دارند، قابل استفاده است. پس از جمعیتهای مورد نظر پرسیدیم:

(سؤال ۴۸) آیا شما به برنامه‌های رادیویی به زبان ترکی / ارمنی گوش می کنید؟ چقدر؟

هیچ وقت	خیلی زیاد			
۰	۲۵	۵۰	۷۵	۱۰۰

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۵/۵ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۱۰۰ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می کنند.
 ۵/۵ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۷۵ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می کنند.
 ۱۳/۵ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۵۰ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می کنند.
 ۳۲/۵ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۲۵ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می کنند.
 ۴۳/۲ درصد از جمعیت ترک زبان هیچ وقت از برنامه‌های رادیویی استفاده نمی کنند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

۷ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۱۰۰ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می کنند.

1 - Borrowing

2- Linguistic Contact

3 - Cultural Contact

4- Grammatical Borrowing

۱۰ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۷۵ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می‌کنند. ۱۰/۵ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۵۰ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می‌کنند. ۲۵/۵ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۲۵ درصد از برنامه‌های رادیویی استفاده می‌کنند. ۴۷/۵ درصد از جمعیت ارمنی زبان هیچ وقت از برنامه‌های رادیویی استفاده نمی‌کنند. علت علاقه نداشتن به سبب کهنه بودن وسیله ارتباطی و نامناسب بودن ساعت‌های پخش و جذاب نبودن برنامه‌های رادیویی بود.

برای اینکه ایرادها را خنثی کنیم از پاسخگویان خواستیم به این سؤال پاسخ دهند.
(سؤال ۴۹) آیا شما به نوارهای ترکی / ارمنی گوش می‌دهید؟ چقدر؟

هیچ وقت	خیلی زیاد
۰	۱۰۰
۲۵	۷۵
۵۰	

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۱۹ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۱۰۰ درصد به نوارهای ترکی گوش می‌دهند. ۲۱/۵ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۷۵ درصد به نوارهای ترکی گوش می‌دهند. ۱۶/۵ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۵۰ درصد به نوارهای ترکی گوش می‌دهند. ۲۴ درصد از جمعیت ترک زبان به میزان ۰ درصد به نوارهای ترکی گوش می‌دهند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

۳۸ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۱۰۰ درصد به نوارهای ارمنی گوش می‌دهند. ۳۵ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۷۵ درصد به نوارهای ارمنی گوش می‌دهند. ۱۷/۵ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۵۰ درصد به نوارهای ارمنی گوش می‌دهند. ۷ درصد از جمعیت ارمنی زبان به میزان ۲۵ درصد به نوارهای ارمنی گوش می‌دهند. ۲/۵ درصد از جمعیت ارمنی زبان هیچ وقت نوارهای ارمنی گوش نمی‌دهند. استفاده از نوار به نسبت استفاده از برنامه‌های رادیویی، برای هر دو جمعیت، بیشتر بود و علت آن را شاید بتوان در حق انتخاب نوار و نیز تنظیم وقت مناسب برای استفاده از آن جست و جو کرد.

استفاده از زبان در حوزه‌های برون سو

انسان دو یا چند زبانه معمولاً ترجیح می‌دهد که از مجموعه زبانی خود استفاده‌های خاص بکند و آنها را در حوزه‌های مختلف به کار گیرد (مکی، ۱۹۷۲)، حالتی که شاید برای انسان یک

زبان قابل درک نباشد، چون او تقابل زبانی ندارد و در همه مواقع و حوزه‌ها به یک زبان می‌اندیشید و دنیا را تنها از دیدگاه زبان واحد خود می‌بیند و دارای دو (یا چند) نظام ارتباطی متفاوت نیست.

از پاسخگویان سؤال شد:

(سؤال ۴۱) آیا شما از زبان ترکی / ارمنی برای نامه نویسی به دوستان و خویشان استفاده می‌کنید؟ چقدر؟

همیشه	گاهی	به ندرت	هیچ وقت
-------	------	---------	---------

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۲/۷ درصد از جمعیت ترک زبان پاسخ دادند، همیشه

۲/۷ درصد از جمعیت ترک زبانان پاسخ دادند، گاهی

۰ درصد از جمعیت ترک زبانان پاسخ دادند، به ندرت

۶۲ درصد از جمعیت ترک زبانان پاسخ دادند، هیچ وقت

البته ۶۲ درصد که از زبان ترکی برای نامه نویسی استفاده نمی‌کنند، می‌تواند حاکی از آن باشد که برای نوشتن به زبان ترکی تمرین کافی نکرده‌اند. به این نقل قولها توجه کنید: «ترکی به تدریج فراموش می‌شود. درصد استفاده‌اش کم است. یا دانستن زبان ترکی هنر است، به آن باید اهمیت داده شود و آن را باید از نظر دستور زبان و فرهنگ و ادبیات توسعه داد و ...»

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

۳۸/۳ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخ دادند، همیشه

۴/۶ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخ دادند، گاهی

۱/۱ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخ دادند، به ندرت

۱/۱ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخ دادند، هیچ وقت

و بقیه جمعیت ترک زبان و ارمنی زبان اذعان کردند که اصولاً به هیچ زبانی نامه نمی‌نویسند و برای برقراری ارتباط از تلفن، که وسیله آسانتری است، استفاده می‌کنند. شاید این آمار نشان دهنده مشکل گروههای دو زبانه ایران در استفاده بیانی^۱ زبان، به ویژه در

شکل مکتوب آن، باشد و بخشی از مسأله نیمه زبانیت مضاعف^۱ را تشکیل دهد.
 قسمت دیگری از سؤال ۴۱ حاوی این مضمون بود که:
 (سؤال ۴۱) آیا شما خوابهایتان را به ترکی / ارمنی می بینید؟ چقدر؟

همیشه	گاهی	به ندرت	هیچ وقت
-------	------	---------	---------

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۳۳/۳ درصد جمعیت ترک زبان گزارش دادند که همیشه خوابهایشان را به زبان ترکی می بینند.
 ۷/۹ درصد جمعیت ترک زبان گزارش دادند که گاهی خوابهایشان را به زبان ترکی می بینند.
 ۳/۹ درصد جمعیت ترک زبان گزارش دادند که به ندرت خوابهایشان را به زبان ترکی می بینند.
 ۱۱/۹ درصد جمعیت ترک زبان گزارش دادند که هیچ وقت خوابهایشان را به زبان ترکی نمی بینند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

۵۸ درصد جمعیت ارمنی زبان گزارش دادند که همیشه خوابهایشان را به زبان ارمنی می بینند.
 ۱۱/۶ درصد جمعیت ارمنی زبان گزارش دادند که گاهی خوابهایشان را به زبان ارمنی می بینند.
 ۳/۴ درصد جمعیت ارمنی زبان گزارش دادند که به ندرت خوابهایشان را به زبان ارمنی می بینند.
 چند درصد جمعیت ارمنی زبان گزارش دادند که هیچ وقت خوابهایشان را به زبان ارمنی نمی بینند.

درباره شمارش پول سؤالی به این نحو طرح شد:

(سؤال ۴۱) آیا برای شمارش پول از زبان ترکی / ارمنی استفاده می کنید؟

همیشه	گاهی	به ندرت	هیچ وقت
-------	------	---------	---------

جمعیت ترک زبان مورد مطالعه

۱۶/۲ درصد از جمعیت ترک زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول همیشه از زبان ترکی استفاده می کردند.

۱۶/۲ درصد از جمعیت ترک زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول گاهی از زبان ترکی استفاده می‌کردند.

۱۰/۸ درصد از جمعیت ترک زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول به ندرت از زبان ترکی استفاده می‌کردند.

۳۵ درصد از جمعیت ترک زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول هیچ‌وقت از زبان ترکی استفاده نمی‌کردند.

جمعیت ارمنی زبان مورد مطالعه

۵۵/۸ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول همیشه از زبان ارمنی استفاده می‌کردند.

۱۸/۶ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول گاهی از زبان ارمنی استفاده می‌کردند.

۶/۹ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول به ندرت از زبان ارمنی استفاده می‌کردند.

۳/۴ درصد از جمعیت ارمنی زبان پاسخگو به این سؤال، در شمارش پول هیچ‌وقت از زبان ارمنی استفاده نمی‌کردند.

آخرین سؤال این بخش مربوط به حیات‌مندی و اهمیت زبان قومی از دیدگاه جمعیت مورد تحقیق بود.

(سؤال ۴۴) آیا دانستن زبان ترکی / ارمنی را برای خودتان مهم می‌دانید؟ چقدر؟

اصلاً مهم نمی‌دانم	خیلی مهم می‌دانم			
۰	۲۵	۵۰	۷۵	۱۰۰

جمعیت ترک زبان مورد تحقیق

جمعیت ترک زبان مقیم تهران جواب دادند:

۵۹ درصد، دانستن زبان ۱۰۰ درصد (خیلی مهم) است.

۱۱ درصد، دانستن زبان ۷۵ درصد اهمیت دارد.

۱۵ درصد، دانستن زبان ۵۰ درصد اهمیت دارد.

۱۵ درصد، دانستن زبان ۲۵ درصد اهمیت دارد.

ولی هیچ‌کس جواب نداده بود که زبان ترکی برایش اصلاً اهمیت ندارد و نبود آن برای

او فرقی نمی‌کند.

جمعیت ارمنی زبان مورد تحقیق

جمعیت ارمنی زبان مقیم تهران جواب دادند:

۸۰/۲ درصد، دانستن زبان ارمنی ۱۰۰ درصد (خیلی مهم) است.

۱۴ درصد، دانستن زبان ارمنی ۷۵ درصد اهمیت دارد.

۶ درصد، دانستن زبان ارمنی ۵۰ درصد اهمیت دارد.

ولی درصد جمعیتی برای ۲۵ درصد و ۰ درصد وجود نداشت.

ارقام بالا نشانگر علاقه، صمیمیت و احساسات عاطفی و وابستگی قومی این دو جمعیت

به زبان اول خود است.

چکیده سؤاها با نتایج آماری آنها در جدولهای ۱، ۲ و ۳ آمده است.

نتیجه گیری

ایران کشوری است چند ملیتی و چند زبانه که زبان رسمی آن فارسی است. فارسی زبانی است که در آموزش و در رسانه‌های گروهی دارای کاربرد است. زبانهای گروههای قومی نیز در قلمرو خود مورد استفاده قرار می‌گیرند. در اثر حرکت گروههای قومی به سوی شهر تهران، برای دستیابی به شرایط مناسب اقتصادی و اجتماعی، رفاه و بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و اجتماعی، نوعی جابه‌جایی زبانی نیز صورت می‌گیرد. این افراد برای استفاده از موارد رفاهی باید هر چه زودتر با زبان فارسی استاندارد و وجهه‌دار تهرانی آشنا شوند؛ یا به عبارتی درصد جمعیت دو زبانه ایران را بیشتر کنند. این افراد در کنار یادگیری زبان فارسی، فرهنگ جامعه جدید را نیز فرا می‌گیرند و به این ترتیب زمینه مطالعات جامعه‌شناسی زبان آماده می‌شود و محقق می‌تواند توجه خود را به موضوعاتی از قبیل تداخل زبانها، تأثیر زبانها، مسأله کدگردانی زبانها، گونه معیار و مشتقات زبان معیار یا گونه‌های دیگر زبان معطوف دارد و حوزه‌های کاربردی زبانهای مختلف و گونه‌های زبانی مختلف، گسترش، زبان رسمی و یا حذف زبانها و لهجه‌های بومی یا پدید آمدن زبان و یا لهجه‌ای جدید را مطالعه کند. در حین بررسی می‌توان مشکلات روانی، اجتماعی افراد را لمس کرد و برای حل آنها به چاره‌جویی پرداخت.

یکی از مشکلات در جامعه شهر تهران مربوط به نحوه تدریس زبان فارسی و برنامه‌ریزی درسی دانش‌آموزان است. کتابهای درسی بر اساس این فرض طراحی می‌شوند که همه نونهالان زبان فارسی را در خانه فرا گرفته‌اند و اکنون باید با نظام نوشتاری آن نیز آشنا شوند؛ در صورتی که برای کودکان دو زبانه مدرسه جایی است که تازه باید زبان گفتاری جدیدی را (مثل زبان فارسی) فراگیرند، ولی برنامه درسی از آنها انتظار دارد که مانند کودکان یک زبانه توان پاسخگویی به برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش را داشته باشند. آموزش معلمان، حداقل در مقطع ابتدایی برای رویارویی با این مشکل یکی از ضروریات است. جمعیتهای دو زبانه تهران در محله‌های خاصی زندگی می‌کنند. در مورد محله‌های ارمنی‌نشین توضیحاتی داده شد، اما در شهر تهران محله‌هایی هست ترک‌نشین و دانش‌آموزان مدارس این محله‌ها نیز فرزندان همشهریه‌های ترک‌زبان ما هستند. تربیت معلمی که بتواند از عهده تعلیم و تربیت کودکان دو زبانه برآید قدم بسیار مثبتی خواهد بود، برای تربیت دو زبانه‌های همپایه که زبان ترکی را در خانه فرا می‌گیرند و با زبان فارسی از طریق آموزش رسمی آشنا می‌شوند. عدم حضور چنین معلمانی برای جمعیتهای دو زبانه، باعث دلسردی دانش‌آموزان خردسال در زمینه‌های مختلف از جمله تحجر^۱ و دیگر مسائل فرهنگی خواهد شد.

جدول شماره ۱

شماره سؤال	محتوای سؤال	نوع	۱۰۰ درصد = عالی		۷۵ درصد = خوب		۵۰ درصد = متوسط		۲۵ درصد = کم		۰ درصد = خیلی کم		جواب نداده اند	
			ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک
۳۲	معلومات زبان فارسی خود را چگونه ارزیابی می کنید؟	درصد از جمعیت	۴۵	۲۹	۴۰/۵	۳۴	۱۴۵/۵	۳۱	۳	۳/۵	۳	۲/۵	-	-
۴۵	اعتقاد دارید که زبان ترکی / ارمنی نقشی در همبستگی روابط خانوادگی شما داشته باشد؟	" "	۷۳	۵۶	۱۲	۱۳	۸	۱۱	۵/۵	۳/۵	۱۱	۴	۳/۵	۴/۵
۴۷	آیا شما آثار مکتوب مثل کتاب، مجله یا روزنامه به زبان ترکی / ارمنی می خوانید؟	" "	۳۱	-	۲۵	-	۱۹	۱۴	۳۰	۱۹	۵۶	۶	-	-
۴۸	آیا شما به برنامه های رادیویی به زبان ترکی / ارمنی گوش می کنید؟	" "	۷	۵/۵	۱۰	۵/۵	۱۰/۵	۶۳/۵	۳۲/۵	۲۵/۵	۴۳	۴۷	-	-
۴۹	آیا به نوارهای ترکی / ارمنی گوش می کنید؟	" "	۳۸	۱۹	۳۵	۲۱/۵	۱۷/۵	۱۶/۵	-	۷۰	۲۴	۲/۵	۱۹	-
۴۴	آیا دانستن زبان ترکی / ارمنی را برای خودتان مهم می دانید؟	۵۹	۱۱	۸۰	۱۵	۱۴	۱۵	۶	-	-	-	-	-	-

شماره سؤال	محتوی سؤال	نوع جمعیت		همیشه		گاهی		به ندرت		هیچ وقت		جواب ندادند	
		ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی	ترک	ارمنی
۱	آیا از زبان ترکی / ارمنی در محل کار استفاده می کنید؟	۸	۴/۵	۴۱	۲۶	۲۴	۳۸	۰	۶	۲۷	۲۵/۵		
۲	آیا از زبان ترکی / ارمنی در محاوره دوستانه استفاده می کنید؟	۷۲	۸۴	۱۶	-	۸	-	-	-	۴	۱۶		
۳	آیا از زبان ترکی / ارمنی به هنگام مکالمه با خویشاوندان استفاده می کنید؟	۳۲	۵۵	۳۲	۱۰	۱۵/۶	-	۲	-	۱۸/۴	۳۵		
۴	آیا از زبان ترکی / ارمنی برای نامه نویسی به خویشان استفاده می کنید؟	۳	۳۸/۵	۳	۴/۵	-	۱	۶۲		۳۲	۴۵		
۵	آیا خویشان یا زبان را به زبان ترکی / ارمنی می بینید؟	۳۳/۵	۵۸	۸	۱۱/۵	۴	۳/۵	۱۲	-	۴۲/۵	۲۷		
۶	آیا برای شماره گذاری پست یا از زبان ترکی / ارمنی استفاده می کنید؟	۱۶	۵۶	۱۶	۱۸/۵	۱۱	۷	۳۵	۳/۵	۲۲	۱۵		

شماره	سوال	محتوی سوال	فقط ترکی فقط ارمنی		فارسی صرف		ترکی و فارسی ارمنی و فارسی		جواب نداده اند	
			ترک زبانان	ارمنی زبانان	ترک زبانان	ارمنی زبانان	ترک زبانان	ارمنی زبانان	ترک زبانان	ارمنی زبانان
۱		معمولاً با همسر خود به چه زبانی صحبت می کنید؟	۵۳ درصد	۱۰۰ درصد	۴۱/۵ درصد	-	۵/۵ درصد	-	-	-
۲		در محاوره روزمره با فرزندان از چه زبانی استفاده می کنید؟	۱۹ درصد	۱۰۰ درصد	۶۷ درصد	-	۵/۴ درصد	-	۸/۵ درصد	-
۳		فرزندان با شما به چه زبانی صحبت می کنند؟	۱۳/۵ درصد	۱۰۰ درصد	۵۹/۵ درصد	-	۱۹ درصد	-	۸ درصد	-
۴		فرزندان از چه زبانهایی می دانند؟	-	-	۱۶ درصد	-	۵۴ درصد	۱۰۰ درصد	۳۰ درصد	-

مأخذ:

- Baghdasarian, E. (Germanic). (1993). *History of Iranian Armenians*. Arax Monthly Magazin, Volume 84. (PP.12 - 13) Tehran, (Armenian).
- Edwards, J. (1985) *Language, Society and Identity*. Oxford: Blackwell.
- Ferguson, Ch. (1972) *Diglossia. Language in Education* (A source Book).
- Language and Learning Course Team at the Open University*. (PP. 38 - 45) London: Routledge and kegan Paul Ltd.
- Fishman, J.A. (1977) *Language and Ethnicity and Intergroup Relations*, Howard Giles, (ed), (PP.15 - 57). London: Academic Press.
- Giles, H. (ed). (1977) *Language, Ethnicity and Intergroup Relations*. London: Academic Press.
- Glaser, D. (1985). *Dynamics of Ethnic Identification*. American Sociological Review 23, (PP. 31 - 40)
- Haugan, E. (1979), *Bilingualism, Language Contact and Immigrant Languages in the United States*. In J.A. Fishman (ed). *Advanced in the Study of Social Multilingualism in the Study of Social. Multilingualism* (PP.1-11) the Hague: Mouton.
- Hudson, A. (1992),: *Diglossia: A Bibliographic Review Language in Society, Vol. 21* Number 4. Cambridge Universess (PP. 611 - 674).
- Kouzmin, L. (1988) *Language Use and Language Maintenance. in two Russian Community in Australia*. International Journal of Sociology of Language 72. Mouton de Cruyter. (pp: 51 - 66). Berlin:
- Mackey, W (1972 [1962]). *The Description of Bilingualism. In Readings in Joshua Fishman* (ed), (PP. 554 - 584). The Hague: Mouton.
- Modaresi, Y. (1989) *Sociology of Language*. Tehran: Institute of Reserch and Cultural Studies. (farsi)
- Pauwels, A. (1984). *Dialects and Language Maintenance in Australia*. Paper offered at the AILA Congress in Brussels.
- Nercissians, E (1985) *Diglossia in Iran*. Iranian Journal of Linguistics 2, (PP. 73 - 80).